

معاهدات بین‌المللی و اعتبار آن از منظر فقه حکومتی^۱

محمد امین مصدق

طلبه سطح خارج حوزه علمیه قم

احمد عابدی

دانشیار و استاد در س خارج حوزه علمیه قم

چکیده

مقاله حاضر درصدد است ضمن توضیح واژه معاهده و عقد و تعریف معاهدات بین‌المللی، چگونگی اعتبار معاهدات بین‌المللی را بر اساس قرآن و سنت مورد بررسی قرار داده و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی شرایط پذیرش قوانین در روابط بین‌الملل را بر طبق قاعده نفی سبیل تحلیل کند. مقاله پیش‌رو دربردارنده دو بحث اصلی است: ۱- شرایط اعتبار معاهدات بین‌المللی؛ ۲- شرایط جواز نقض معاهدات و پیمان‌ها. با توجه به مبانی فقهی اگر توافق یا معاهده‌ای بین دولت اسلامی و دیگر دولت‌ها تنظیم شود و متن توافق مشمول قاعده نفی سبیل نباشد، پایبندی به آن معاهده لازم است. در ضمن بررسی شرایط نقض معاهده و پیمان در قراردادهای بین‌المللی بر اساس خطابات قرآنی یکی دیگر از اهداف نوشته پیش‌رو است.

واژگان کلیدی: عقد و پیمان، معاهده بین‌المللی، نقض پیمان، قاعده نفی سبیل.

مقدمه

معاهدات بین‌المللی امروزه در روابط بین کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی در صدد آن هستند که قوانین جدید و کارآمدی را وضع کنند بیشترین رفاه و نظم را در زندگی بشر به وجود آورد.

در طول تاریخ روابط بین کشورهای مختلف در غالب موارد به وسیله انعقاد معاهدات و توافق‌های گوناگون رونق گرفته است. از طرف دیگر بسیاری از اختلافات و منازعات بین‌المللی مولود عدم ایجاد معاهدات منعقدہ یا ناشی از عدم اجرا و یا نقض معاهدات بین‌المللی است.

معاهدات بین‌المللی تنها منحصر به روابط دوجانبه نمی‌شود بلکه شامل معاهدات چندجانبه بین‌المللی مثل توافقات سازمان ملل متحد در زمان کنونی نیز هست. در حال حاضر منشأ وضع قوانین در نگاه بشری مختلف است ولی مسلم است که این قوانین برگرفته از شریعت و دستورات الهی نیست. بر خلاف قوانین بشری، قوانین شرعی جزء از احکام و دستورات الهی هستند که مجموعه فقه سیاسی اسلام را شکل می‌دهند. اسلام دولت خود را با نشانه‌های ویژه و بر اساس احترام به دستورات خداوند سبحان پیش می‌برد و این نگاه، نظام سیاسی خاصی را در میان سایر نظام‌های موجود ایجاد می‌کند.

اما دولت اسلامی در روابط خود نیازمند ایجاد معاهدات با دولت‌هایی است که بر اساس اصول غیر اسلامی بنا نهاده شده‌اند. این موضوع اهمیت بررسی چگونگی تنظیم روابط با سایر دولت‌ها را نشان می‌دهد.

سید محمد باقر صدر (ره) اهداف ایجاد ارتباط بین دولت اسلامی با دولت‌های دیگر را در قالب سه بند بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. گسترش اسلام و ابلاغ این رسالت بزرگ به همه دنیا؛
 ۲. پاسداری از ارزش‌های حق و عدالت در صحنه‌های بین‌المللی و ارائه الگویی زیبا و برتر از دین؛
 ۳. یاری رساندن به مستضعفان و ستمدیدگان روی زمین و ایستادگی در برابر ظلم و استعمار.
- (صدر، محمد باقر (۱۳۹۹ه ق))

تعریف عقد و پیمان و معاهده

عقد در لغت به معنای گره زدن، بستن و محکم کردن چیزی است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ۸۵ / ۴) و همچنین به معنای قرارداد و پیمان بستن است و در اصطلاح عبارت است از ایجاب و قبولی که شرعاً معتبر است.

معاهده و پیمان یا کنوانسیون یک توافقنامه بین المللی است که میان دو یا چند کشور با یکدیگر یا میان کشورها و سازمان‌های بین المللی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل می‌شود. معاهدات دولت اسلامی، پیمان‌هایی است که برای ایجاد روابط بین دولت اسلامی و سایر دولت‌ها منعقد می‌شود.

حال در این نوشته نویسنده در صدد است معیار بستن معاهدات با دولت‌های غیر اسلامی و همچنین رفتار دولت اسلامی با معاهدات را از منظر قرآن و سنت مورد بررسی قرار دهد.

ادله‌ی وجوب پایبندی به قراردادهای و معاهدات

برای بیان وجوب پایبندی به قراردادهای و معاهدات بین المللی به آیات و روایات ذیل استدلال می‌شود. در برخی این آیات خداوند نسبت به پایبندی مسلمان‌ها به معاهدات و پیمان‌ها به آن‌ها گوشزد می‌کند.

دلیل اول: آیات

آیه اول: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده آیه ۱).

اولین و مهم‌ترین آیه در وجوب پایبندی به معاهدات و قراردادهای و معاملات آیه اول سوره مائده است. مرحوم طبرسی در مجمع البیان پس از بیان اقوال در مورد مفهوم عقد می‌گوید: «منظور عقدهایی است که خداوند بر بندگان واجب کرده است که به آنها وفا کنند، اعم از واجبات، محرمات، فرائض و حدود. بدین ترتیب، این قول، همه اقوال دیگر را در برخواهد داشت و به هر عقد و پیمانی باید وفا کرد، مگر اینکه پیمان، مربوط به کار ناپسند باشد که در این صورت، به اتفاق همه، نباید وفا کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۲۳۴).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «مراد از عقد تمام معاملات خرید و فروش و اجاره و نکاح و... است و همچنین شامل پیمان‌ها و معاهدات هم می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۸ / ۵). از طرفی دیگر صیغه امر ظهور در وجوب دارد؛ لذا اگر پیمانی بین حکومت اسلامی و

دولت‌های معاهد و غیر اسلامی بسته شد، بر طرفین واجب است که بر این عهد و پیمان التزام داشته باشند.

یکی از موارد پیمان و عهد در زمان حال قراردادهای بین‌المللی است که اطراف قرارداد در آن کشورهای مختلفی هستند که حکومت‌های اسلامی هم در صورت توافق باید به آن پایبند باشند. آیه دوم: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُّمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه، آیه ۴).

«مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، سپس چیزی [از شرایط پیمان را] نسبت به شما نکاستند و احدی [از دشمنان را] بر ضد شما یاری نکردند، پس به پیمانشان تا پایان مدتشان وفادار باشید، زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد».

تقریب استدلال: این آیه در مورد استثنا از برائت از عموم مشرکین است و کسانی که استثنا شدند (به این معنی که این گروه از مشرکین مشمول اعلامیه برائت و مهلت‌دهی نمی‌شوند) کسانی هستند که مسلمان‌ها با آنها در پیمان هستند و آنها نه به صورت مستقیم و نه غیر مستقیم، نقض عهد نکرده‌اند که در این صورت بنا بر صیغه امر -اتّموا- واجب است که تا پایان مدت قرارداد به عهد خویش با آنها وفادار باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۰/۹).

در ضمن، جمله پایانی آیه مزبور نیز جمله تعلیلیه است و پایبندی به توافق را از مصادیق تقوا می‌داند که محبوب خداست؛ لذا پایبندی به قراردادها هم حسن فعلی دارد و هم حسن فاعلی. آیه سوم: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ..... وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال، آیات ۵۵-۵۸)

«به یقین بدترین جنندگان نزد خدا کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند. همان کسانی که با آنها پیمان بستنی سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند و از پیمان‌شکنی و خیانت پرهیز ندارند... هرگاه با ظهور نشانه‌هایی از خیانت گروهی بیم داشته باشی که عهد خود را شکسته و حمله غافلگیرانه داشته باشند به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است، زیرا خداوند خیانتکاران را دوست نمی‌دارد».

تقریب استدلال: این آیات در مورد معاهده بین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یهودیان اطراف شهر مدینه است. خداوند متعال قبح نقض عهد را تحت عنوان شر الدّواب در این آیات به کار برده است. آن گروهی از کفار که به هیچ وجه به عهد خویش وفادار نیستند بسیار مذمت

گردیده و با چارپایان مقایسه شده‌اند و در ادامه شرط نقض عهد از جانب مسلمانان را خوف از بد عهدی طرف مقابل قرار داده است.

موضوع در جمله شرطیه مذکور ترس از نقض عهد طرف مقابل است و بنا بر وجود مفهوم در جمله شرطیه در صورت عدم خوف از نقض عهد طرف مقابل، جواز نقض عهد از سوی مسلمانان وجود ندارد.

دلیل دوم: روایات

در اینجا روایتی بیان می‌شود که نشان می‌دهد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا چه حد به قوانین و مقررات بین‌المللی زمان خود پایبند بودند. این روایت در منابع شیعی در بحار الأنوار ذکر شده و در منابع اهل سنت هم در کتاب مسند احمد بن حنبل آمده است.

اما مسیلمة بن حبیب الکذاب فکان یقال له رحمان الیمامة لأنه کان یقول الذی یأتینی اسمہ رحمان و قدم علی رسول الله فیمن أسلم ثم ارتد لما رجع إلى بلده و کتب إلى رسول الله من مسیلمة رسول الله إلى محمد رسول الله أما بعد فإن الأرض لنا نصف و لقریش نصف و لکن قریش قوم یعتدون و بعث الکتاب مع رجلین فقال لهما رسول الله أتشهدان أتى رسول الله قالا نعم قال أتشهدان أن مسیلمة رسول الله قالا نعم إنه قد أشرك معک فقال صلی الله علیه و آله لولا أن الرسول لا یقتل لضربت أعناقكما ثم کتب إليه من محمد رسول الله إلى مسیلمة الکذاب «أما بعد فإن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین و قد أهلكت أهل حجر أبداک الله و من صوب معک» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱ / ۴۱۲).

شخصی به نام مسیلمه بن حبیب نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و مسلمان شد و بعد از مدتی دوباره مرتد شد و وقتی به سرزمین خود برگشت به وسیله دو شخص نامه‌بر، نامه‌ای را به پیامبر فرستاد که در بالای نامه نوشته بود که از مسیلمه رسول خدا به محمد رسول خدا و اما بعد زمین در نزد ما دو نیم است. نیمی از آن برای ما و نیمی هم برای قریش، ولی قریش قومی تجاوزکارند. وقتی نامه به دست رسول الله رسید، از آن دو نامه‌رسان و به اصطلاح امروزی سفیر پرسیدند که نظر شما چیست؟ آیا شهادت می‌دهید که من رسول الله هستم گفتند بله و آیا شهادت می‌دهید که مسیلمه هم رسول خداست؟ دوباره جواب دادند بله. سپس حضرت فرمود: اگر این طور نبود که نماینده یک منطقه یا سفیر کشور دیگر را نباید کشت، به طور یقین دستور می‌دادم که گردن شما دو نفر را بزنند.

بررسی روایت: اولاً رسول به معنای سفیر است چون نماینده آن سرزمین بودند و سفیر آن مملکت در مدینه محسوب می شدند. ثانیاً این قسمت روایت که حضرت فرمود «لولا أن السفیر لا یقتل» نشان می دهد که در زمان صدر اسلام یک قانون کلی بوده که نباید هیچ حکومتی متعرض به نماینده کشور دیگر شود و پیامبر به این حق و قانون اشاره دارد و با توجه به اینکه آن دو نفر حرف های شرک آمیز زدند، ولی پیامبر به خاطر پابندی به این حقوق، حد را اجرا نکرد.

شرایط نقض معاهده و پیمان بر اساس آیات قرآن

عهد به معنای التزام بر چیزی و گردن گرفتن کاری است. بر اساس آیات قرآن کریم عهدنامه ها و معاهدات تا زمانی الزام آور است که طرفین بر اساس مفاد آن عمل و رفتار نمایند. در سوره انفال و آیات ۵۷ و ۵۸ این سوره خداوند متعال به رسول خویش دستور می دهد که به عهد خود پایبند باشد؛ ولی در صورتی که شواهدی وجود داشت که مشرکین می خواهند نقض پیمان کنند و ترس از نقض عهد آن ها وجود دارد، پیامبر و مسلمانان پیش دستی کنند و عهدنامه را نقض کنند؛ زیرا خداوند متعال خیانت کاران را دوست ندارد.

«وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال، ۵۸).

مرحوم طبرسی در مجمع البیان خیانت را به معنای نقض عهد در چیزی می داند که او در آن امین قرار داده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۸۵۰) علامه طباطبایی در ذیل این آیه می گوید: «معنای آیه این است که اگر از قومی که میان تو و ایشان عهدی استوار گشته ترسیدی که در عهدت خیانت کرده و آن را بشکنند و آثار عهدشکنی آنها در حال ظاهر شدن بود، تو هم مثل آنها عهد خود را لغو کن، و لغویت آن را به آنها اعلام هم بکن تا شما و ایشان در شکستن عهد برابر هم شوید، و یا تا اینکه تو با آنها با عدالت رفتار کنی؛ چون این خود از عدالت است که تو با ایشان معامله به مثل کنی، چون اگر بدون اعلام قبلی با آنها اعلام جنگ کنی خواهند گفت که تو خیانت کرده ای، و خدا خیانت کاران را دوست نمی دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۱۱۳).

به عنوان شاهدی بر مطالب مذکور می توان به کلام مقام معظم رهبری در باب مذاکرات هسته ای اشاره کرد. در عصر حاضر در مورد توافق صورت گرفته بین ایران و غرب در موضوع هسته ای، زمانی که رئیس جمهور آمریکا مکرر تهدید به نقض پیمان می کند، مقام معظم رهبری به عنوان فرمانده کل قوا در جواب این تهدیدات می گوید: «ما قصد نداریم که معاهده را به هم بزنیم چون پابندی به معاهده بر اساس دستور قرآن است. لکن اگر آنها نقض کردند ما هم نقض خواهیم کرد. چون این جواب ما هم متکی به قرآن (وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى

سَوَاءٌ... است. بنابراین هم پایبندی و هم نقض بر اساس اصول قرآنی است» (سخنرانی در جمع سران کشور در ماه مبارک رمضان ۱۳۹۵ در سایت www.khamenei.ir).

یکی دیگر از دلایل مهم فقهی که می‌توان بر اساس آن نظریه نقض معاهده در مقابل بدعهدی طرف مقابل را توجیه نمود، بنای عقلاست.

یکی از مهم‌ترین منابع و ادله جهت استدلال در ابواب مختلف فقهی و اصولی تمسک به بنای عقلا یا همان عرف عملی است. برای اثبات حجیت امارات از جمله حجیت خبر واحد و حجیت ظواهر کتاب‌الله و همچنین برای اثبات وجوب تقلید، از این دلیل استفاده می‌شود. علاوه بر این بسیاری از قواعد فقهی در باب معاملات بر آن متکی است و حکم کثیری از فروع فقهی در فقه معاملات از جمله صحت عقود معاطاتی و لزوم تعادل عوضین از طریق این روش استنباط می‌شود.

بنای عقلا به معنای روش و سلوک عقلا و خردمندان همه عالم با هر دین و اعتقادی بر انجام و ترک عملی است بدون اینکه این عادت تحت تأثیر عوامل زمانی و مکانی و نژادی و... باشد (مظفر، بی‌تا: ۱۷۶/۳).

بنا بر نظر مشهور فقهای امامیه طریقه و بنا عقلا در صورتی حجیت است که مورد تأیید معصوم^۱ واقع شود. چون سیره عقلا طریق قطع آور و یقینی نیست و حجیت عقلی ندارد و در اصطلاح اصولیون از اسباب ظن نوعی است و چون اصل اولی به حکم قرآن^۱ و سنت و عقل حرمت عمل به ظن است، باید از طریق شرع حجیت پیدا کند. حجیت بنای عقلا به این معنا که در مرئی ایشان باشد و ایشان یا این فعل را تأیید کنند و یا با سکوت خویش آن را تقریر نمایند. اما در مسئله حاضر، به نظر می‌رسد مفاد نقض توافق در مقابل نقض طرف مقابل از مدرکات عقل آدمی است و بنای عقلا بر آن ثابت و استوار است؛ زیرا واضح است که عقل سلیم به شخص و یا دولتی که در توافق با دولت‌های دیگر است، در صورتی که اطمینان دارد طرف مقابل قرار است از طریق نقض عهد به توافق خود پایبند نبوده و با خطر جدی روبه‌روست این اجازه را نمی‌دهد که بر مفاد توافق پایبند باشد.

۱. بر طبق آیه «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» و همچنین آیه «إِنَّ هُمْ أَلَّا يظنون» عمل به ظن قبیح و مورد نهی قرار گرفته است.

به عبارت دیگر عقلا انجام تعهد توسط یک طرف را در صورتی که طرف مقابل به هیچ یک از مفاد پیمان خود ملتزم نیست، سفاهت و نادانی می‌دانند و عقل چنین تعهدی را تأیید نمی‌کند و پایبندی به آن را قبیح می‌شمارد.

چنانچه متعهدی موعده اجرای تعهداتش فرارسیده ولی به طور متعارف پیش‌بینی می‌نماید که طرف مقابلش نمی‌خواهد به موقع تعهداتش را انجام دهد، عقل این انتظار را بی‌ثمر و لغو می‌داند.

اما حجیت این سیره نیز مورد امضای معصوم^۸ قرار گرفته است. بر اساس مطالبی که در ذیل بیان می‌شود رسول اکرم^۹ در صورت نقض عهد طرف مقابل بسیار شدید برخورد می‌کرد و عهد و پیمان را ملغی شده معرفی می‌نمود و حتی عذر طرف مقابل در پیمان‌شکنی را نیز نمی‌پذیرفت.

سیره پیامبر ادر مورد معاهدات اسلام

یکی از منابع و ادله مهم پس از قرآن کریم در مذهب امامیه، سنت معصومین^۸ است که قول، فعل و تقریر ایشان را شامل می‌شود.

به شهادت روایات معصومین^۸ و با توجه به مدارک تاریخی پیامبر اکرم^۹ در طول حیات مبارکش با دیگر ملت‌ها و گروه‌ها و ادیان مختلف معاهداتی را امضا کردند و با تمام وجود پایبند به آنها بود.

از مهم‌ترین معاهدات و قراردادهای بین‌المللی بین پیامبر اکرم^۹ و مشرکین و دیگر ادیان می‌توان به منشور مدینه یا اولین قرارداد بین‌المللی اسلام، پیمان صلح حدیبیه و پیمان صلح نجران اشاره کرد.^۱

معاهدات بین‌المللی
و اعتبار آن از منظر
فقه حکومتی

۱. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی) ج ۱، ص ۳۰ و ۳۱ و ۳۲.
به عنوان نمونه به مفاد پیمان صلح حدیبیه اشاره می‌کنیم. علی بن ابی طالب علیه السلام این نامه را نوشته و مهاجران و انصار شاهد آن هستند.

به نام خدا

الف) محمد صلی الله علیه و آله و قریش متعهد می‌شوند که مدت ۱۰ سال جنگ را بر ضد یکدیگر ترک کنند.

ب) هر کس بخواهد با محمد صلی الله علیه و آله و یا قریش پیمان ببندد، آزاد است.

ماجرای صلح حدیبیه و فتح مکه:

در سال ششم هجری پیامبر اکرم و مسلمانان به قصد زیارت خانه خدا راهی مکه شدند اما سران قریش این اجازه را ندادند و در مقابل جنگ پیشنهاد صلح دادند. مفاد صلح حدیبیه این بود که پیامبر اکرم و مسلمانان در سال صلح حق شرکت در مراسم حج را ندارند و ده سال میان طرفین صلح برقرار گردد تا مردم در امنیت و آرامش زندگی کنند و اینکه اگر کسی از مکه به مدینه برود و اسلام اختیار کند، باید مسلمانان او را بازگردانند. همچنین قریش نباید علیه قبیله خزاعه که در عهد با مدینه و مسلمانان است اقدامی انجام دهد.

پس از ۲۲ ماه از صلح حدیبیه، مشرکین مکه عهد خود را شکستند و تعدادی از افراد قبیله خزاعه را کشتند.

در این هنگام ابوسفیان شخصاً به مدینه آمد تا نقض عهد را ابرام کند و از پیامبر بخواهد که دوباره عهد را ببندند ولی حضرت پذیرفت و به خاطر همین عهدشکنی مکه را فتح کرد (ابن سعد الهاشمی، ۱۴۱۰: ۱۰۲/۲).

از دیگر مواردی که رسول خدا در مقابل نقض و عهدشکنی دشمن جواب محکمی داد، می توان به برخورد ایشان با طایفه یهودی بنی قریظه - که در پیمان با مسلمانان بودند ولی هنگام وقوع جنگ احزاب عهد خود را شکستند - اشاره کرد (ابن هشام، بی تا: ۲/۲۳۸).

در اصطلاح اصولیون سیره دلیل لفظی نیست که بتوان از اطلاق آن استفاده کرد ولی دلیل لثبی است، به این معنی که در صورت شک در موارد آن باید به قدر متیقن تمسک کرد که قدر متیقن از سیره رسول الله در نقض عهدنامه، جایی است که طرف مقابل به نقض پیمان اقدام کرده باشد.

ج) هرگاه فردی از قریش بدون اذن بزرگتر از خود از مکه فرار کند و به حکومت مدینه بپیوندد، ایشان باید او را به قریش بازگرداند ولی اگر از مدینه کسی به قریش پیوست لازم نیست کسی او را برگرداند.

د) از این پس اسلام باید در مکه علنی باشد و نباید کسی را به اجبار به عقیده‌ای واداشت و یا او را به سبب عقیده‌اش سرزنش کرد.

ه) امسال پیامبر با یارانش، از همین جا به مدینه برواهند گشت، با این قرار که در سال بعد بدون سلاح وارد مکه شوند و مدت سه روز برای حج توقف کنند مشروط بر اینکه سلاحی به جز اسلحه مسافر با خود نداشته باشند و همان سلاح محدود نیز باید در غلاف باشد.

شرایط پذیرش قوانین در روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام

این نکته حائز اهمیت است که اسلام به‌عنوان دینی کامل هر نوع شرایط بین‌المللی را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. اگر قانونی وضع شود که به موجب آن عزت مسلمین خدشه‌دار گردد و یا موجب تسلط کفار بر مؤمنین شود و شوکت و هیبت مسلمانان را زیر سؤال ببرد به حکم قرآن آن قانون باطل است و اسلام زیر بار چنین مسئولیتی نمی‌رود.

قاعده نفی سبیل که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی و احکام ثانویه به کار می‌رود، نقش بسیار پایدار و تأثیرگذاری در روابط فردی و اجتماعی مسلمانان دارد و اصلی غیر قابل انکار در روابط خارجی و انجام معاهدات از سوی دولت‌های اسلامی است.

یکی از مهم‌ترین مدارک این قاعده آیه ۱۴۱ سوره نساء است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱). این آیه دلیل محکمی برای قاعده نفی سبیل است که در آن خداوند هرگونه تسلط و برتری برای کفار نسبت به مسلمانان را مردود شمرده و هیچ حکمی برای این سلطه جعل نکرده است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۱۸۵). مغنیه در تفسیر الکاشف می‌گوید:

«استدلّ الفقهاء بهذه الآية على ان الله سبحانه لم يشرع حكما يستدعي أية سلطة وولاية لغير المسلم على المسلم، وفرعوا على ذلك كثيرا من الأحكام» (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۴۶۷). استدلال فقها به این آیه این است که خداوند متعال هیچ حکم و پیمانی را که موجب هر نوع تسلطی از سوی کافر بر مسلمان بشود و هر نوع ولایت و حکومت غیر مسلمان بر مسلمان را مشروع نمی‌داند و بر مبنای این قاعده فقهی، فروع زیادی در ابواب مختلف فقه شکل گرفته است.

همچنین در کتاب قواعد الفقهیه مرحوم بجنوردی در مورد میزان اطلاق این قاعده در احکام شرعی آمده است: «این قاعده بر تمام اطلاقات و عمومات احکام حکومت دارد و از موارد تطبیق آن این است که کافر کوچک‌ترین ولایتی بر مسلمان ندارد. پس کافر نمی‌تواند قیم بر اموال مسلم صغیر و یا سفیه شود» (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۱۸۵).

به نظر می‌توان از قانون اولویت، این مطلب را اثبات کرد که وقتی از جانب شریعت اجازه تصرف بر یک مجنون و یا کودک به کافر داده نشده است، به طریق اولی راضی به حق و قانونی نخواهد شد که به موجب آن کفار بر مسلمانان تسلط یابند.

امام خمینی (ره) این قاعده را به‌عنوان یک اصل اساسی در مورد سیاست خارجی اسلام و روابط مسلمانان با دولت‌های غیر اسلامی می‌داند (قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ص ۱۷۰).

سیره و عمل فقهای نامدار شیعه و صاحب فتوا در طول تاریخ این است که هر زمان حکومت‌ها قراردادی با کفار می‌بستند که موجب تضعیف اسلام و یا باعث ضربه‌زدن به اقتصاد و فرهنگ مسلمانان بود، جلوی آن را می‌گرفتند. حفظ استقلال و عزت دولت اسلامی در روابط بین‌الملل از الزامات قاعده نفی سبیل است.

نتیجه‌گیری

۱. بر اساس مبانی قرآنی و سنت پایبندی به عقد و پیمان چه در امور شخصی و چه در معاهدات بین‌المللی لازم است و دولت‌های اسلامی باید به معاهدات خود با هر کشوری پایبند باشند.
۲. به شهادت تاریخ رسول اکرم| در تمامی معاهدات به مواد توافق‌نامه پایبند بودند.
۳. بر طبق قاعده نفی سبیل شرط معاهده با کفار این است که مواد توافق یا معاهده موجب تسلط کفار بر ممالک اسلامی و مسلمانان نشود.
۴. بر اساس اصول قرآنی و سیره عقلا و همچنین سیره رسول الله| در معاهدات، پایبندی به توافقات تا زمانی است که طرف مقابل پایبند باشد ولی در صورت نقض عهد طرف مقابل، معاهده‌ای باقی نمی‌ماند که پایبندی به آن لازم باشد.

منابع

قرآن کریم

ابن هشام، (بی تا) *السیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفة

بجنوردی، سید حسن، (۱۴۱۹ ه ق)، *القواعد الفقهية*، ۷ جلدی، قم: نشر الهادی.

مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ه ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ابن سعد الهاشمی، محمد، (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الكبرى*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ه ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ ه ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه ی قم.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ه ق)، *بحار الانوار* ط بیروت، ۱۱۱ جلدی، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ابن حنبل، (۱۴۲۱ ه ق)، *مسند احمد بن حنبل*، چاپ اول، بیروت: انتشارات مؤسسة الرسالة.

احمد بن فارس، ابوالحسین، (۱۴۰۴ ه ق)، *معجم مقاییس اللغة*، ۶ جلدی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مظفر، محمد رضا، (بی تا)، *اصول الفقه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی

صدر، محمد باقر (۱۳۹۹ ه ق)، *لمحه فقهیه شهیدیه عن شروح دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران*. قم، مطبعة الخيام.



سال پنجم - شماره
نهم - پاییز و
زمستان ۱۴۰۰